

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال سیزدهم شماره ۵۰ تابستان ۱۳۹۷

الگوی ساختاری - جنسیتی برای روابط بین معنا در زندگی با صمیمیت و سازگاری زناشویی

سیدولی‌اله موسوی^۱

آمنه پورشریف^۲

سجاد رضائی^۳

رضا قاسمی جوبنه^۴

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تدوین الگوی ساختاری-جنسیتی برای بررسی روابط بین معنا در زندگی با صمیمیت و سازگاری زناشویی بود. در یک طرح توصیفی-مقطعی، ۴۸۰ دانشجوی متأهل دانشگاه‌های شهر تهران در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و به پرسشنامه معنا در زندگی استیگر، مقیاس صمیمیت زناشویی تامپسون و واکر و پرسشنامه سازگاری زناشویی لاک و والاس پاسخ دادند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و LISREL و به شیوه معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین معنا در زندگی (وجود معنا و جستجوی معنا) با صمیمیت زناشویی و سازگاری زناشویی رابطه مستقیم وجود دارد ($P < 0/01$). همبستگی بین وجود معنا و جستجوی معنا مثبت بود ($P < 0/01$). بین صمیمیت زناشویی و سازگاری زناشویی نیز همبستگی مثبت به‌دست آمد ($P < 0/01$). همچنین بین معنا در زندگی (وجود معنا و جستجوی معنا)، صمیمیت زناشویی و سازگاری زناشویی در زنان و مردان روابط ساختاری کافی به‌دست آمد اما این الگوی روابط ساختاری در گروه زنان از

۱- دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول)

Email: mousavi180@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

۳- استادیار گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۴- دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهیدچمران اهواز، اهواز، ایران

برازش مطلوب‌تری برخوردار بود ($AGFI=0/90$, $GFI=0/92$, $RMSEA=0/06$). این یافته‌ها تلویحاً پیشنهاد می‌کند مداخلات معنابخشی زندگی به-ویژه در جامعه زنان به پیامدهای زناشویی بهتری ختم می‌شود.

واژگان کلیدی: معنا در زندگی، سازگاری زناشویی، صمیمیت زناشویی.

مقدمه

خانواده جزء نهادهای مهم هر جامعه ای محسوب می‌شود و هر چه با دوام‌تر باشد جامعه نیز به تبع آن از ثبات بیشتری برخوردار خواهد بود. در واقع در صورتی که خانواده از کارکرد سالم تری برخوردار باشد، در نتیجه جامعه نیز از سلامت و ثبات بیشتری برخوردار خواهد بود (آرفایی، محمدی و سهرابی، ۲۰۱۳؛ نظیر، سعید، سهیل، شر، ازهر و صفر^۱، ۲۰۰۹). یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار بر افزایش سلامت یک خانواده، میزان رضایتی است که زوج‌ها از یکدیگر دارند. در صورتی که زوجین از یکدیگر رضایت داشته باشند، می‌توان گفت که خانواده نیز از عملکرد بهتری برخوردار خواهد بود (موسوی، ۲۰۱۲). یکی از این عوامل مهم که زمینه ساز افزایش رضایت‌مندی زناشویی زوج‌ها را فراهم می‌کند، صمیمیت زناشویی^۲ است (مداحی فرد، مهدی، ظریف و فتاح مقدم، ۲۰۱۵).

صمیمیت زمانی آشکار می‌شود که ازدواج کارکرد خوبی داشته باشد و فقدان صمیمیت حاکی از این است که رابطه زناشویی عملکرد ضعیفی دارد (باگاروزی^۳، ۲۰۱۱؛ راوین^۴، ۲۰۰۵؛ نقل از ابوسعیدی، ۱۳۹۴). صمیمیت را می‌توان یکی از نیازهای مهم در زندگی زناشویی در نظر گرفت و زوج‌های شاد، صمیمیت زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند و در نتیجه در مقیاس‌های مربوط به بهزیستی نیز نمرات بالاتری را کسب می‌کنند (کلیر، دوش، تیلور و آرهیانون^۵، ۲۰۰۸). نتایج پژوهش‌های انجام شده نشان

1- Nazir, Saeed, Sohail, Sher, Azhar & Safdar
3- Bagarozzi
5-Claire, Dush, Taylor & Rhiannon

2- marital intimacy
4- Rovine

می‌دهد علاوه بر صمیمیت زناشویی، سازگاری زناشویی^۱ نیز تأثیر به‌سزایی در افزایش پایداری ازدواج و بهبود کیفیت زندگی زناشویی دارد، (لانگر، یای، استورر و سیرجالا^۲، ۲۰۱۰). زمانی در رابطه زناشویی سازگاری وجود دارد که تفاهم و رضایت در رابطه زوجها حضور داشته باشد (اسچوماچر و لئونارد^۳، ۲۰۰۵). سازگاری زناشویی باعث می‌شود، زوجها مشکلات کمتری را گزارش کنند و تنش‌ها در ارتباطات زناشویی کمتر شود، که به‌واسطه آن کیفیت زندگی زناشویی افزایش پیدا می‌کند (ابنوا-اوکو^۴، ۲۰۱۱).

در پژوهش‌های اخیر مشخص شده است وجود و جستجوی معنا^۵ به‌عنوان عاملی زیربنایی می‌تواند در بهبود وضعیت صمیمیت و سازگاری زناشویی زوجها نقش ایفا کند، با این وجود اطلاعات محدودی در این زمینه وجود دارد (نیو، هوانگو، هانگ و لی^۶، ۲۰۱۵؛ هیراسچبرگر، سریواستاوا، مارش، پاپ کوان و کوان^۷، ۲۰۰۹). نتایج پژوهش‌ها حاکی از رابطه معنی‌دار بین وجود معنا در زندگی و بسیاری از مولفه‌های بهزیستی روانشناختی بوده است. برای نمونه دزوتر، کسلین، واچهورلتز، لویکس، هکنینگ^۸ و همکاران (۲۰۱۳) آشکار ساختند افرادی که وجود معنای زندگی بیشتری را گزارش می‌کنند از بهزیستی روانشناختی، شادکامی و سلامتی بیشتری برخوردار هستند. علاوه بر آن مشخص شده است وجود معنا در معنا در زندگی به بهبود کیفیت زندگی منجر خواهد شد (پارک، مالون، سورش، بلیس و روزن^۹، ۲۰۰۸). یکی از جنبه‌های مهم و تأثیرگذار در افزایش کیفیت زندگی نیز، مولفه‌های زناشویی و رضایت فرد از زندگی زناشویی است که می‌توان بر اساس نتایج مطالعات انجام گرفته توسط محققان پیشین نتیجه‌گیری کرد که وجود معنا در زندگی می‌تواند علاوه بر تأثیرات فراوانی که بر بهبود بهزیستی ذهنی ادراک شده افراد می‌گذارد، باعث افزایش کیفیت زندگی زناشویی نیز گردد (مداحی فرد و همکاران، ۲۰۱۵).

1- marital adjustment

3- Schumacher & Leonard

5- meaning

7- Hirschberger, Srivastava, Marsh, Pape Cowan & Cowan

9-Park, Malone, Suresh, Bliss & Rosen

2- Langer, Yi, Storer & Syrjala

4- Ebenowa-Okoh

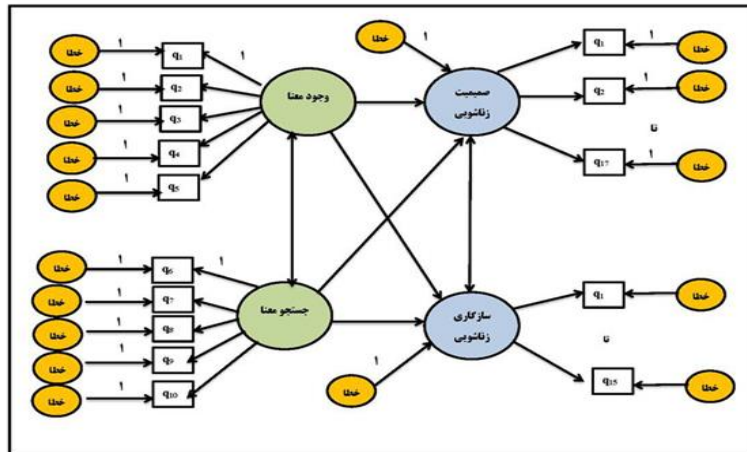
6- Niu, Huang, Hung & Lee

8- Dezutter, Casalin, Wachholtz, Luyckx, Hekking, & Vandewiele

وجود معنا و یا تلاش برای دستیابی به معنا در زندگی، پیامدهای مثبتی را برای فرد به ارمغان می‌آورد. در واقع معنا باعث می‌شود فرد در جنبه‌های مختلف زندگی عملکرد بهتری از خود نشان دهد. یکی از این جنبه‌های مهم، زندگی زناشویی است (نیو و همکاران، ۲۰۱۵؛ هیراسچبرگر و همکاران، ۲۰۰۹). زنان و مردان متأهل به‌خصوص آنهایی که در سنین جوانی قرار دارند، در صورت فقدان معنا و یا عدم تلاش کافی در جهت داشتن زندگی با معنا، ممکن است دچار سرخوردگی و برخی مشکلات و اختلالات روانشناختی شوند. به‌طور مثال یافته‌های پژوهشی نشان داد افراد متأهلی که از افسردگی و بی‌معنایی رنج می‌برند، رضایت زناشویی کمتری را نیز گزارش می‌کنند (دو راجر اسپودلیش، راپ و کامینگز^۱، ۲۰۱۱).

پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با نقش معنا در زندگی افراد بیشتر متمرکز بر پیامدهای مثبت روانشناختی و هیجانی بوده است و کمتر به نقش معنا در زندگی زناشویی پرداخته شده است. در واقع با مطالعه پیشینه پژوهش می‌توان ادعا کرد که اگرچه تحقیقات ارزشمندی در ارتباط با تأثیر معنا در بهبود بهزیستی ذهنی و کاهش مشکلات روانشناختی همچون افسردگی و اضطراب انجام شده است، ولی تحقیقات صورت گرفته در ارتباط با نقش معنا در بهبود عملکرد خانواده و افزایش کیفیت زندگی زناشویی بسیار محدود است. هدف از پژوهش حاضر بررسی روابط ساختاری-جنسیتی میان معنا در زندگی با صمیمیت و سازگاری زناشویی در زنان و مردان متأهل می‌باشد. بنابراین در درجه اول پژوهشگر در صدد پاسخ به این سوال است که مجموعاً مدل تدوین شده از برازش کافی برخوردار است یا نه؟ و همچنین در کدام یک از گروه‌های جنسیتی (مردان یا زنان) شاخص‌های الگوی ساختاری از برازش بهتری برخوردار است؟ پاسخ به سوالات فوق اولاً مشخص می‌کند که آیا سازه معنا در زندگی می‌تواند نقش موثر در افزایش صمیمیت و رضایت زناشویی ایفا کند؟ علاوه بر آن به محققان و درمانگران زناشویی اطلاع می‌دهد که مدل تدوین شده در کدام گروه جنسیتی دارای کاربرد و اثربخشی ضمنی بیشتری است؟ مدل پیشنهادی پژوهش در شکل (۱) مشخص شده است.

1- Du Rocher Schudlich, Papp & Cummings



شکل (۱) مدل پیشنهادی پژوهش

روش پژوهش

طرح حاضر توصیفی از نوع مقطعی است و روش مورد استفاده همبستگی است. جامعه آماری در پژوهش حاضر را دانشجویان دختر و پسر متأهل دانشگاه‌های شهر تهران (دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن) که در سال ۱۳۹۵ مشغول به تحصیل بوده‌اند، تشکیل می‌دهند. جهت تعیین حجم نمونه برای تدوین الگوی ساختاری از روش مولر^۱ (۱۹۹۶) با در نظر گرفتن اندازه اثر مورد انتظار متوسط، توان آزمون ۰/۸۰ و سطح اطمینان ۹۵٪ استفاده شد که طی آن مشخص گردید مدل پیشنهاد شده با ۴۸ پارامتر آزاد در مدل اندازه‌گیری، ۴ متغیر مکنون و ۴۲ نشانگر (آیتم‌های پرسشنامه) به ۲۴۰ نمونه به شرط وجود داده‌های مفقود کمتر از ۱۰٪ نیاز دارد. از آنجایی که قصد داریم برازش مدل را در دو گروه مردان و زنان متأهل ارزیابی کنیم حجم نمونه نهایی به ۴۸۰ نفر بالغ می‌گردد.

در پژوهش حاضر شرکت‌کنندگان به‌شیونه نمونه‌گیری هدفمند و با مراجعه به خوابگاه‌های متأهلی انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش عبارت بودند از: داوطلب

1- Mueller

شرکت در پژوهش بودن، در دامنه سنی ۲۰-۴۰ سال قرار داشتن، متقاضی طلاق نبودن، نداشتن اختلالات روانشناختی، عدم ابتلا به بیماری‌های جسمانی. در راستای عنوان و هدف تحقیق، نمونه‌گیری از دانشجویان متاهل به صورت هدفمند در دستور کار قرار گرفت. به دلیل آمار شناور و عدم ثبت منظم رخداد‌های ازدواج در جمعیت‌های دانشجویی در طول هر ترم، امکان نمونه‌گیری تصادفی میسر نبود. لذا با مراجعه به خوابگاه‌های متأهلی که بهترین موقعیت نمونه‌گیری برای بررسی اهداف این تحقیق تلقی می‌شد از دانشجویانی که برای تکمیل ابزارها به‌طور آگاهانه رضایت می‌دادند، نمونه‌گیری به عمل آمد. از ابزارهای ذیل برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد.

پرسشنامه معنا در زندگی: برای اندازه‌گیری معنا در زندگی از پرسشنامه معنا در زندگی که توسط استیگر^۱ و همکاران طراحی گردیده است و دارای ۱۰ گویه می‌باشد، استفاده شده است و دارای دو مؤلفه وجود معنا و جستجوی معنا می‌باشد. در پژوهشی که در ایران در پژوهشی توسط غلام‌محمدی و همکاران (۱۳۹۲) انجام شد، نتایج نشان داد میزان پایایی گزارش شده با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۱ است.

مقیاس صمیمیت زناشویی: این مقیاس توسط تامپسون و والکر^۲ ساخته شده که ۱۷ سؤال دارد. دامنه نمرات هر سؤال بین ۱ (هرگز) تا ۷ (همیشه) تغییر می‌کند که نمره بالاتر نشانه صمیمیت بیشتر است. در پژوهشی در ایران برای تعیین روایی محتوایی، پرسشنامه را در اختیار ۱۵ استاد مشاوره و ۱۵ زن و شوهر جهت بررسی قرار گرفت و روایی محتوایی آن تأیید شد. همچنین ضریب کلی پایایی پرسشنامه نیز با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۶ به دست آمد (اعتمادی، ۱۳۸۴؛ نقل از ابوسعیدی، ۱۳۹۴).

پرسشنامه سازگاری لاک و والاس: این پرسشنامه توسط لاک و والاس^۳ طراحی گردیده است و دارای ۱۵ پرسش می‌باشد که نمره پایین، سازگاری کم و نمره بالا، سازگاری زیاد را نشان می‌دهد. این پرسشنامه نشان می‌دهد که تا چه حد آزمودنی با

1- Steger

3- Locke & Wallace

2- Thompson & Walker

همسر خود در خصوص تعدادی از فعالیت‌های که در سازگاری زناشویی نقش دارند، موافق است. در پژوهشی که توسط مظاهری (۱۳۷۹) در ایران انجام شد، این پرسشنامه به فارسی ترجمه شد و پایایی آن با استفاده از روش دونیم کردن، ۰/۹۰ محاسبه شده است. همچنین این پرسشنامه با تمایز آشکار میان همسران تنیده و غیرتنیده، اعتبار بسیار بالایی را نشان داده است (نقل از ناصحی، رئیسی، جعفری و رحمانی، ۱۳۸۳).

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Spss نسخه ۲۲ و Lisrel نسخه ۸/۸۰ برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

میانگین سن آزمودنی‌ها ۲۹/۳۸ با انحراف استاندارد ۴/۷۰ است. یکی از مفروضه‌های آزمون تحلیل مسیر، نرمال بودن توزیع داده‌ها است. نتایج آزمون کلوگروف-اسمیرنوف حاکی از آن است که تمامی متغیرهای پژوهش از مفروضه نرمال بودن پیروی می‌کنند ($P > 0/05$). یکی دیگر از مفروضه‌ها، عدم وجود داده‌های پرت^۱ می‌باشد که به کمک فاصله مهالانوبیس^۲ با سطح آلفای سخت‌گیرانه $P < 0/001$ مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد هیچ داده پرت چندمتغیری وجود ندارد. برای بررسی فرضیه ارتباط بین متغیرهای پژوهش از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج در جدول (۱) گزارش شده است.

جدول (۱) ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD	سازگاری زناشویی	صمیمیت زناشویی	وجود معنا	جستجوی معنا
سازگاری زناشویی	۹۹/۰۷	۳۰/۹۱	۱			
صمیمیت زناشویی	۹۰/۵۸	۲۴/۴۰	۰/۷۵**	۱		
وجود معنا	۲۷/۰۰	۵/۸۳	۰/۶۱**	۰/۶۴**	۱	
جستجوی معنا	۲۶/۳۳	۶/۴۴	۰/۱۲**	۰/۲۱**	۰/۲۸**	۱

1- outliers

2- mahalanobis distance

بر اساس نتایج جدول فوق مشاهده می‌شود که بین متغیر وجود معنا و جست و جوی معنا با صمیمیت زناشویی با ضریب همبستگی $0/64$ و $0/21$ ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین ارتباط مثبت و معنادار بین وجود معنا و جستجوی معنا با سازگاری زناشویی با ضریب همبستگی $0/61$ و $0/12$ وجود دارد. ارتباط بین وجود معنا و جستجوی معنا با ضریب همبستگی $0/28$ به دست آمد. همچنین بین صمیمیت زناشویی و سازگاری زناشویی با ضریب همبستگی $0/75$ ارتباط مثبت و معنادار به دست آمد. شایان ذکر است تمامی این ضرایب معنادار بودند ($P < 0/0001$). از آنجایی که تمامی متغیرها با معنا در زندگی همبستگی معناداری داشتند وارد مدل ساختاری شدند و بر اساس نظریه‌ها و مطالعات قبلی، مسیرها مشخص شد. خطوط جهت‌دار در مدل ساختاری بیان‌گر جهت اثر از متغیرهای برون‌زاد (اثرگذار) بر متغیرهای درون‌زاد (تأثیرپذیر) است. طرح مدل ساختاری برازش شده نهایی و ضرایب اثرات مستقیم مربوطه در شکل (۲) آورده شده است.

ابتدا برازش آماری مدل اندازه‌گیری داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار Lisrel مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نرمال بودن توزیع، برای برآورد مدل از شاخص‌های زیر برای برازش مدل استفاده شد: شاخص نیکویی برازش^۱ (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی^۲ (AGFI)، شاخص برازش مقایسه‌ای^۳ (CFI)، خطای ریشه مجذور میانگین تقریب^۴ (RMSEA) و شاخص برازش استاندارد شده^۵ (NFI).

جدول (۲) شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری در دو گروه مردان و زنان

گروه	Chi square	Df	P-value	RMSEA	GFI	AGFI	CFI	NFI
مردان	۲۶۲۳/۰۷	۸۱۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۷	۰/۹۰	۰/۸۹	۰/۹۵	۰/۹۳
زنان	۲۱۷۵/۸۱	۸۱۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۶	۰/۹۲	۰/۹۰	۰/۹۷	۰/۹۶

اگر مجذور خی از لحاظ آماری معنادار نباشد، دال بر برازش بسیار مناسب است. اما این شاخص در نمونه‌های با اندازه بالا معنادار است. با این وجود، اگر مقدار خی دو تقسیم

1- Goodness of Fit Index
3- Comparative Fit Index
5- Normed Fit Index

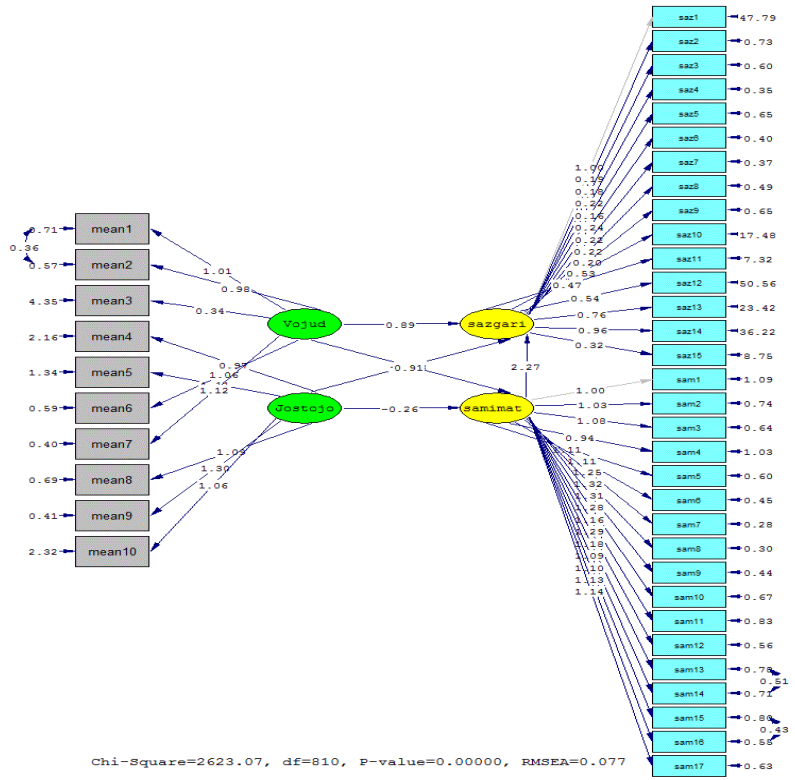
2- adjusted goodness of fit index
4- root mean square error of Approximation

بر df (درجه آزادی) کمتر از ۵ باشد حاکی از برازش مناسب داده‌های تجربی با مدل نظری است (مارش و هوکواری، ۱۹۸۵). همچنین اگر شاخص‌های GFI ، $AGFI$ ، CFI بزرگ‌تر از ۰/۹۵ و شاخص $RMSEA$ کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد بر برازش بسیار مطلوب و بسیار خوب دلالت دارد و اگر شاخص‌های GFI ، $AGFI$ ، CFI بزرگ‌تر از ۰/۹۰ و شاخص $RMSEA$ کوچک‌تر از ۰/۰۸ باشد بر برازش مطلوب و خوب دلالت دارد (تاباچنیک و فیدل^۲، ۲۰۰۶). شاخص‌های برازش مدل حاکی از آن است که مدل ساختاری گروه زنان برازش مطلوب‌تری با داده‌ها دارد. در گروه زنان، شاخص‌های $AGFI$ ، CFI ، $RMSEA$ و NFI همگی مطلوب‌تر از شاخص‌های به‌دست آمده در گروه مردان است. با این‌وجود در گروه مردان نیز شاخص‌های برازش مطلوب و مناسب است. در واقع، هم در گروه زنان و هم مردان، شاخص‌های GFI ، NFI ، CFI بزرگ‌تر از ۰/۹۰ و شاخص‌های $RMSEA$ کوچک‌تر از ۰/۰۸ باشد بر برازش مطلوب و مناسب دلالت دارد. در نتیجه شاخص‌های GFI ، $AGFI$ ، CFI ، $RMSEA$ و NFI بر برازش مطلوب و مناسب دلالت دارد.

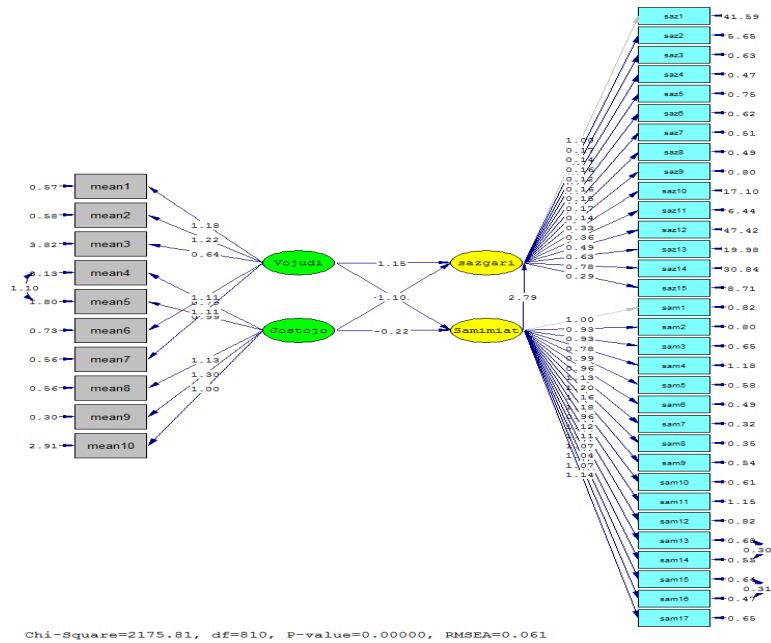
شایان ذکر است در هر دو مدل ساختاری برای گروه مردان و زنان، برقراری کوواریانس بین سازگاری و صمیمیت زناشویی باعث پایین‌آمدن ارزش شاخص‌های برازش شده و بنابراین مدل نیاز به اصلاح داشت. پس از اصلاح و پیشنهاد‌های ارایه شده از خروجی نرم‌افزار، مشخص شد که برقراری رابطه تنها از متغیر سازگاری به سمت صمیمیت زناشویی باعث بهبود شاخص‌های برازش می‌شود. در نهایت مدل‌های اصلاح شده برای دو گروه در شکل‌های ۲ و ۳ ارایه شده‌اند.

1- Marsh, Hocevar

2- Tabachnick & Fidell



شکل (۲) مدل ساختاری گروه مردان



شکل (۳) مدل ساختاری گروه زنان

بحث

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بین وجود معنا و جستجوی معنا با صمیمیت زناشویی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. این بدین معنی است که با افزایش وجود معنا در زندگی و یا جستجو و تلاش فرد برای معنا، صمیمیت زناشویی نیز افزایش پیدا می‌کند. این یافته از پژوهش حاضر را می‌توان با نتایج سایر پژوهش‌های انجام شده (نصر اصفهانی، اعتمادی و شفیع‌آبادی، ۱۳۹۲؛ نادری و سجادیان، ۱۳۹۲؛ گواهی جهان، ۱۳۸۷؛ نیو و همکاران، ۲۰۱۵؛ کلانترکوشه و ایشا حسن، ۲۰۱۰) همسو دانست که نشان داده‌اند یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در افزایش کیفیت زندگی زناشویی و در

1- Aisha Hassan

نتیجه افزایش صمیمیت زناشویی، وجود معنا در زندگی یا تلاش فعال و سازنده افراد برای معنا در زندگی می‌باشد. در تبیین نتایج این فرضیه می‌توان این طور استدلال کرد که رضایت زناشویی و به تبع آن وجود صمیمیت زناشویی نیازمند برخورداری زوج‌ها از سلامت روانشناختی می‌باشد. یعنی در صورتی می‌تواند بین زوج‌ها، صمیمیت، پیوند و نزدیکی روانشناختی وجود داشته باشد که زوج‌ها به لحاظ روانشناختی و عملکرد فردی نیز در وضعیت مطلوبی قرار داشته باشند (هین، بایس و ون است^۱، ۲۰۰۷). از سوی دیگر یافته‌های مطالعات دیگر نیز نشان داده‌اند که وجود معنا در زندگی یا جستجوی افراد برای معنا با افزایش سلامت عمومی و بهزیستی روانشناختی همراه است (دزوتر و همکاران، ۲۰۱۳؛ پارک و همکاران، ۲۰۰۸؛ مداحی فرد و همکاران، ۲۰۱۵). این بدین معنی است که وجود معنا در زندگی منجر به افزایش سلامت روانشناختی افراد می‌شود. وجود معنا یا جستجو برای معنا در زندگی که با سلامت روانشناختی نیز مرتبط است، باعث می‌شود که فرد بتواند در شرایط مختلف به‌خصوص در زندگی زناشویی کارکرد بهتری داشته باشد و به وی توانایی لازم برای مقابله با تنش‌های روزمره زندگی را می‌دهد (شیاه، چانگ، چیانگ و تام^۲، ۲۰۱۵). بنابراین افراد متأهلی که در زندگی فردی‌شان توانسته‌اند زندگی با معنا داشته باشند، در نتیجه از عملکرد بهتر فردی و روانشناختی برخوردارند و در موقعیت‌های مختلف به‌طور مثال در زندگی زناشویی نیز عملکرد بهتری از خود نشان داده‌اند و در مقیاس‌های مربوط به صمیمیت زناشویی نمرات بیشتری را گزارش می‌کنند. در تأیید این نتایج می‌توان به یافته‌های پژوهش‌هایی اشاره کرد که نشان داده‌اند وجود معنا و جستجو برای معنا در زندگی با افزایش سلامت روان (هین و همکاران، ۲۰۰۷) و در نتیجه افزایش کیفیت زندگی زناشویی که یکی از مؤلفه‌های مهم آن صمیمیت زناشویی می‌باشد، همراه است (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ نادى و سجادیان، ۱۳۹۲؛ گواهی جهان، ۱۳۸۷؛ نیو و همکاران، ۲۰۱۵؛ کلانترکوشه و ایشا حسن، ۲۰۱۰).

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بین وجود معنا و جستجوی معنا با سازگاری

1-Heene, Buysse & Van Oost

2- Shiah, Chang, Chiang, Lin & Tam

زناشویی ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد. این بدین معنی است که با افزایش وجود معنا در زندگی و یا جستجو و تلاش فرد برای معنابخشی به زندگی‌اش، سازگاری زناشویی نیز افزایش پیدا می‌کند. این یافته از پژوهش حاضر را می‌توان با نتایج سایر پژوهش‌های انجام شده (طالب‌زاده و پورشافعی، ۱۳۹۰؛ گواهی جهان، ۱۳۸۷؛ مداحی فرد و همکاران، ۲۰۱۵؛ کلاترکوشه و ایشا حسن، ۲۰۱۰) همسو دانست که نشان داده‌اند یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در افزایش کیفیت ارتباطات زناشویی و در نتیجه افزایش سازگاری زناشویی، وجود معنا در زندگی یا تلاش فعال و سازنده افراد برای معنا در زندگی می‌باشد. همان‌طور که در فرضیه‌های قبلی مطرح شد، وجود معنا در زندگی و یا جستجوی معنا از طریق افزایش عملکرد روانشناختی افراد و ارتقاء بهزیستی روانشناختی در افزایش کیفیت ارتباطات زناشویی نیز موثر است. علاوه بر این، بر اساس نظریه فرانکل، جستجوی معنا مستلزم مسئولیت شخصی است. این مسئولیت خود فرد است که راهش را پیدا کند (شولتز^۱، ۱۹۹۸؛ ترجمه خوشدل، ۱۳۸۸). بنابراین مسئولیت‌پذیری یکی از ویژگی‌های مهم افرادی است که از وجود معنا در زندگی برخوردار می‌باشند و یا در جستجوی معنا می‌باشند. افراد مسئولیت‌پذیر در زندگی زناشویی نیز می‌توانند نقش خود به‌عنوان همسر را به‌خوبی بشناسند و وظایف خود را نیز به‌خوبی انجام دهند و در نتیجه در ارتباط زناشویی میزان بیشتری از توافق و سازگاری را تجربه کنند و به احتمال کمتری درگیر اختلالات حل نشده و مزمن زناشویی شوند.

یافته‌های پژوهش حاضر نشانگر آن است که بین وجود معنا و جستجوی معنا همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته از پژوهش حاضر را می‌توان همسو با نظریه معنادرمانی فرانکل در نظر گرفت (شولتز، ۱۹۹۸؛ ترجمه خوشدل، ۱۳۸۸). بر این اساس نمی‌توان گفت که افراد فقط یک بار در زندگی به معنا دست پیدا می‌کنند و بعد از آن دیگر هیچ مسئولیتی در زندگی برای جستجوی معنایی جدید در سایر حوزه‌های زندگی ندارد. انسان همواره ممکن است در موقعیت‌های مختلف و در زمان‌های مختلف، نیازمند جستجوی معنایی جدید باشد و نمی‌تواند صرفاً بر اساس اندوخته‌های گذشته

1- shultz

خود به زندگی ادامه دهد. به همین دلیل نیز در پژوهش حاضر همبستگی مثبت بین وجود معنا و جستجوی معنا به دست آمده است، این بدین معنی است که افرادی که به معنا رسیده‌اند، روحیه جستجوگری برای معنا را نیز در خود دارد و این روند ادامه‌دار است و در زمان یا مکان خاصی پایان نمی‌یابد.

یافته‌های پژوهش حاضر همسو با سایر پژوهش‌ها (موحدی، موحدی و کریمی‌نژاد، ۱۳۹۳؛ دغاغله، عسگری و حیدری، ۱۳۹۱؛ نژاد و گودرزی، ۲۰۱۱؛ موریرا و کاناوارو^۱، ۲۰۱۳؛ گریف و مالهرب^۲، ۲۰۰۱) نشانگر آن است در صورتی که افراد متأهل از صمیمیت زناشویی بیشتری برخوردار باشند، در نتیجه سازگاری زناشویی بیشتری نیز تجربه می‌کنند. ارتباط باعث گسترش و رواج روابط صمیمانه است. زوج‌هایی که از صمیمیت زناشویی برخوردار هستند چون از لحاظ روانشناختی به هم نزدیک هستند و به دلیل اعتمادی که بین آنها وجود دارد، می‌توانند در ارتباط زناشویی به صورت بی‌پرده ولی محترمانه به خود افسایی بپردازند. چنانچه مسئله‌ای وجود دارد که باعث اختلاف بین زن و شوهر شده است، آن را مطرح کرده و با استفاده از راهبردهای حل تعارض، مسئله را حل کرده و مدیریت می‌کنند. در نتیجه زوج‌های صمیمی، میزان بیشتری از سازگاری زناشویی را نیز تجربه می‌کنند و صمیمیت زناشویی با پیامدهای مثبت همراه است که یکی از آنها سازگاری زناشویی است.

یافته پژوهش حاضر دلالت بر آن دارد که بین معنا در زندگی، صمیمیت زناشویی و سازگاری زناشویی روابط ساختاری کافی وجود دارد. این بدین معنی است که مدل آزمون شده در جمعیت آماری دانشجویان متأهل دارای شاخص‌های برازش مطلوب بوده است و قابلیت تعمیم به این جمعیت آماری را دارد. با این وجود شایان ذکر است در هر دو مدل مردان و زنان، برقراری کوواریانس بین سازگاری و صمیمیت زناشویی باعث پایین آمدن شاخص‌های برازش شده و بنابراین مدل نیاز به اصلاح داشت. پس از اصلاح و پیشنهاد‌های ارائه شده از خروجی نرم‌افزار، مشخص شد که برقراری رابطه از سازگاری

1- Moreira & Canavarro

2- Greeff & Malherbe

به سمت صمیمیت زناشویی باعث بهبود شاخص‌های برآزش می‌شود. یعنی دریافتیم رابطه یک‌سویه از سمت صمیمیت زناشویی به سمت سازگاری برآزش بهتری را نشان می‌دهد. در تفسیر حک و اصلاح مدل تصور می‌کنیم چون افراد شرکت‌کننده در پژوهش حاضر را دانشجویان متأهلی تشکیل می‌دهند که اکثراً جوان هستند صمیمیت بیشتر می‌تواند به سازگاری بیانجامد، اما همین نتیجه ممکن است در زوجان سالمند اینگونه نباشد و در آنها سازگاری مهم‌تر از صمیمیت باشد. از این‌رو معتقدیم متغیر یا طبقه سنی ممکن است در ایجاد این مسیر یک‌طرفه نقش آفرین بوده باشد.

در ارتباط با روابط ساختاری بین متغیرهای این پژوهش تحقیقات مشابهی صورت نگرفته است، اما می‌توان این یافته از پژوهش حاضر را همسو با نظریه‌پردازان وجودگرا همچون فرانکل و یالوم^۱ در نظر گرفت. به عبارت دیگر مفهوم معنا در زندگی فقط محدود به فرهنگ خاصی نیست و پدیده‌ای انسانی و جهانشمول می‌باشد که افراد در مکان‌ها و زمان‌های مختلف نیازمند این می‌باشند که به معنایی در زندگی دست پیدا کنند و نیاز به وجود معنا در زندگی همگانی است. وجودگرایان اعتقاد دارند که انسان همراه با معنا متولد نمی‌شود، بلکه باید تلاش کند تا به معنا دست پیدا کند و معناجویی در نهاد بشر نهفته است (یالوم، ۱۹۸۰؛ ترجمه حبیب؛ ۱۳۹۲؛ نظری و ضرغامی، ۱۳۸۸).

با توجه به ارتباط مثبت و معنادار که بین معنا در زندگی و صمیمیت و سازگاری زناشویی وجود دارد می‌توان گفت که وجود معنا در زندگی علاوه بر اینکه فرد را با پیامدهای مثبت فردی همچون سلامت عمومی و بهزیستی روانشناختی همراه می‌کند (دزوتر و همکاران، ۲۰۱۳؛ پارک و همکاران، ۲۰۰۸؛ مداحی فرد و همکاران، ۲۰۱۵)، در زندگی زناشویی نیز به یاری او می‌آید و باعث می‌شود که فرد، زندگی زناشویی غنی‌تری را تجربه کند (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ نادری و سجادیان، ۱۳۹۲؛ گواهی جهان، ۱۳۸۷؛ نیو و همکاران، ۲۰۱۵؛ کلانترکوشه و ایشا حسن، ۲۰۱۰).

بررسی شاخص‌های برآزش مدل حاکی از آن است که مدل ساختاری گروه زنان

1- Yalom

برازش مطلوب‌تری با داده‌ها دارد. با توجه به اینکه پژوهش‌های کمی در ارتباط با نقش معنا در زندگی در سازه‌های زناشویی به صورت روابط ساختاری، انجام شده است، امکان مقایسه نیز میسر نگردیده است. اما در تبیین احتمالی این یافته از پژوهش حاضر می‌توان این‌طور تفسیر کرد که احتمالاً سازگاری و صمیمیت زناشویی گروه مردان به غیر از معنای زندگی به موضوعات مهم دیگری نیز مربوط است که در پژوهش حاضر مورد ارزیابی و اندازه‌گیری قرار نگرفته‌اند. به‌طور مثال با توجه به اینکه جامعه آماری پژوهش حاضر را دانشجویان متأهل تشکیل می‌دهند که عموماً جزء اقشار جوان محسوب می‌شوند، رضایت‌مندی جنسی نقش مهمی می‌تواند در تبیین سازه‌های زناشویی همچون سازگاری و صمیمیت زناشویی داشته باشد که در پژوهش حاضر این مؤلفه مورد ارزیابی و اندازه‌گیری قرار نگرفته است. مطالعه ادبیات و پیشینه پژوهش نشانگر آن است که رضایت جنسی در زندگی زناشویی افراد متأهل به خصوص در مردان، دارای اهمیت ویژه‌ای است (مولهال^۱ و همکاران، ۲۰۰۸).

پژوهش حاضر در جمعیت آماری دانشجویان متأهل که اکثراً در دوره سنی جوانی قرار دارند صورت گرفته است که باید در تعمیم به زوج‌های سایر گروه‌های سنی به‌طور مثال افراد میانسال یا سالمندان احتیاط کرد. پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های بیشتری به صورت معادلات ساختاری در ارتباط با نقش معنا در زندگی در تبیین مؤلفه‌های روانشناختی و زناشویی اجرا شود و مدل‌های ارائه شده توسط نظریه پردازان و پژوهشگران خارجی در ایران مورد ارزیابی و اندازه‌گیری قرار گیرد. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر دو نکته برداشت می‌شود. اولاً مدل ساختاری با اندکی اصلاح از برازش کافی در میان دانشجویان متأهل برخوردار است و دوماً به نظر می‌رسد گروه زنان در پاسخ مداخلات معناگرایانه پیامدهای زناشویی بهتری درمقایسه با مردان از خود نشان دهند. به هر روی ما پیشنهاد می‌کنیم دوره‌هایی مبتنی بر معنادرمانی، توسط مراکز مشاوره دانشگاه‌ها، یا مراکز بهزیستی و مراکز مشاوره، برای زوج‌های جوان برگزار گردد تا علاوه بر اینکه پیامدهای

1- Mulhall, King, Glina & Hvidsten

مثبت فردی همچون بهزیستی روانشناختی را تجربه کنند، کیفیت زندگی زتاشویی آنها نیز افزایش پیدا کند و قدم‌های مهم و سازنده در زمینه پیشگیری از آسیب‌های خانوادگی و ارتقاء سلامت خانواده برداشته شود.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۱۳۹۶/۰۵/۲۵

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۸/۲۴

منابع

- ابوسعیدی، ا. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر زوج‌درمانی راه‌حل محور بر بهبود الگوهای ارتباطی و افزایش صمیمیت زناشویی زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده (منتشر نشده)، دانشگاه خوارزمی.
- دغاغله، ف.؛ عسگری، پ.؛ و حیدری، ع. (۱۳۹۱). رابطه بخشودگی، عشق، صمیمیت با رضایت زناشویی، روانشناسی اجتماعی، ۷(۲۴)، ۵۷-۶۹.
- دورزن، ا. (۲۰۱۲). مشاوره و روان‌درمانی وجودی در عمل، ترجمه کیانی، احمدرضا؛ و جمشیدیان، یاسمن، (۱۳۹۴)، تهران: انتشارات ارجمند.
- شولتز، د. (۱۹۸۸). روانشناسی کمال، الگوی شخصیتی سالم، ترجمه گیتی خوشدل، (۱۳۸۸). تهران: نشر پیکان.
- طالبزاده شوشتری، ل.؛ و پورشافی، ه. (۱۳۹۰). رابطه معنای زندگی با سلامت عمومی کارکنان دانشگاه بیرجند، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، ۱۸(۱)، ۵۵-۶۱.
- غلام محمدی، ه.؛ فروغان، م.؛ بهرامی، ف.؛ یونسی، س.ج.؛ و فرضی، م. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش محتوای دینی بر معنادار شدن زندگی سالمندان مرد مقیم آسایشگاه، مجله مطالعات ناتوانی، ۳(۲)، ۳۴-۴۲.
- قاسمی، و. (۱۳۸۹). مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد آموس، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- گواهی‌جهان، ف. (۱۳۸۷). رابطه بین داشتن معنا در زندگی و رضایت از زندگی زناشویی، روانشناسی تربیتی، ۲(۸)، ۴۹-۶۹.
- موحدی، م.؛ موحدی، ی.؛ و کریمی‌نژاد، ک. (۱۳۹۳). بررسی رابطه رضایت زناشویی، صمیمیت و کیفیت روابط زناشویی در متأهلان باگذشت، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۴(۴)، ۶۳۳-۶۵۲.
- نادی، م.؛ و سجادیان، ا. (۱۳۹۰). تحلیل روابط بین معنای معنوی با بهزیستی معنوی، شادی ذهنی، رضایت از زندگی، شکوفایی روانشناختی، امید به آینده و هدفمندی در زندگی دانشجویان، طلوع بهداشت، ۱۰(۳)، ۵۴-۶۸.

- ناصری، ع؛ رئیس، ف؛ جعفری، م؛ و رحمانی، م. (۱۳۸۳). میزان سازگاری زناشویی در دانشجویان ساکن خوابگاه، اندیشه و رفتار، ۱ و ۲، ۱۱۶-۱۲۱.
- نصراصفهانی، ا؛ و شفیع‌آبادی، ع. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر آموزش معنا- محور بر صمیمیت زناشویی زنان، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، ۱۷(۱)، ۴۳-۴۷.
- نظری، ع؛ و ضراغامی، س. (۱۳۸۸). روان‌درمانی وجودی، تهران: انتشارات پازینه.
- بالوم، ا. (۱۹۸۰). روان‌درمانی اگزیزتانسبال، ترجمه سیده حبیب، (۱۳۹۴). تهران: نشر نی.
- Arfaie, A., Mohammadi, A., & Sohrabi, R. (2013). Relationship between marital conflict and child affective-behavioral psychopathological symptoms, *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, 84, 1776 – 1778.
- Claire, M., Dush, K., Taylor, M., & Rhiannon, A. (2008). Marital Happiness and Psychological Well-Being Across the Life Course; *Fam Relat*, 57(2), 1- 21.
- Dezutter, J., Casalin, S., Wachholtz, A., Luyckx, K., Hekking, J. & Vandewiele, W. (2013). Meaning in life: an important factor for the psychological well-being of chronically ill patients? *Rehabil Psychol*, 58(4), 334-41.
- Du Rocher Schudlich, T.D., Papp, L.M. & Cummings, E.M. (2011). Relations between Spouses' Depressive Symptoms and Marital Conflict: A Longitudinal Investigation of the Role of Conflict Resolution Styles, *Journal of Family Psychology*, 25(4), 531-540.
- Ebenuwa-Okoh, E.E. (2011). Gender and age as moderators of the relationship between environmental variables and marital adjustment among marries persons, *Educational Research*, 2(1), 745-751.
- Greeff, A.P., Malherbe, H.L. (2001). Intimacy and marital satisfaction in spouses, *J Sex Marital Ther*, 27(3), 247-57.
- Heene, E., Buysse, A. & Van Oost, P. (2007). an interpersonal perspective on depression: the role of marital adjustment, conflict communication, attributions, and attachment within a clinical sample, *Fam Process*, 46(4), 499-514.
- Hirschberger, G., Srivastava, S., Marsh, P., Pape Cowan, C., & Cowan, P. (2009). Attachment, Marital Satisfaction, and Divorce during the First Fifteen Years of Parenthood, *Pers Relatsh*, 16(3), 401-420.

-
- Kalantarkousheh, S.M. & S. (2010). Function of life meaning and marital communication among Iranian spouses in Universiti Putra Malaysia, *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 1646–1649.
- Langer, S.L., Yi, J.C., Storer, B.E. & Syrjala, K.L. (2010). marital adjustment, satisfaction and dissolution among hematopoietic stem cell transplant patients and spouses: a prospective, five-year longitudinal investigation, *Psychooncology*, 19(2), 190-200.
- Maddahifard, R., Mahdi, R., Kazemi Zarif, A., & Fattah Moghaddam, L. (2015). The effect of spiritual group therapy on resilience and conflict of women with marital conflict, *J. Appl. Environ. Biol. Sci*, 5(9S), 326-334.
- Marsh, H.W., & Hocevar, D. (1985). Application of confirmatory factor analysis to the study of self-concept: First-and higher order factor models and their invariance across groups, *Psychological bulletin*, 97(3), 562.
- Moosavi, S.F. (2012). The Comparison of Family Functioning, Marital Adjustment and Intimacy in Middle aged and Young Spouses, *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*, 3(10), 2015- 2021.
- Moreira, H., Canavarró, M.C. (2013). psychosocial adjustment and marital intimacy among partners of patients with breast cancer: a comparison study with partners of healthy women, *J Psychosoc Oncol*, 31(3), 282-304.
- Mueller, O. (1996). *Basic Principles of Structural Equation Modeling*, New York: Springer Verlag.
- Mulhall, J., King, R., Glina, S., & Hvidsten, K. (2007). Importance of and satisfaction with sex among men and women worldwide: results of the global better sex survey, *J Sex Med*, 5(4), 788-95.
- Nazir, S., Saeed, S., Sohail, M., Sher, F., Azhar, Z., & Safdar, M. (2009). Parental conflict and its effect on youth self- esteem (a study of university of Punjab), *International journal of Asian social science*, 2(9), 1392- 1400.
- Nezhad, M.Z., Goodarzi, A.M. (2011). Sexuality, intimacy, and marital satisfaction in Iranian first-time parents, *J Sex Marital Ther*, 37(2), 77-88.
-

-
- Niu, C.C., Huang, H.M., Hung, Y.Y., & Lee, H.L. (2015). A Study of Interpersonal Intimacy and Meaning of Life among Elderly Institutionalized Veterans, *J Nurs Res*, 20, 1-10.
- Park, C.L., Malone, M.R., Suresh, D.P., Bliss, D., & Rosen, R.I. (2008). Coping, meaning in life, and quality of life in congestive heart failure patients, *Qual Life Res*, 17(1), 21-6.
- Schumacher, J.A. & Leonard, K.E. (2005). Husbands' and wives' marital adjustment, verbal aggression, and physical aggression as longitudinal predictors of physical aggression in early marriage, *J Consult Clin Psychol*, 73(1), 28-37.
- Shiah, Y.J., Chang, F., Chiang, S.K., Lin, I.M. & Tam, W.C. (2015). Religion and health: anxiety, religiosity, meaning of life and mental health, *J Relig Health*, 54(1), 35-45.
- Steger, M.F., Mann, J.R., Michels, P. & Cooper, T.C. (2009). Meaning in life, anxiety, depression, and general health among smoking cessation patients, *J Psychosom Res*, 67(4), 353-8.